

# قاعده الصحت

## مفاد

شك در صحت فعل دیگری کنیم [بحث شك در فعل خود در قاعده فراغ یا تجاوز می آید] پس اصالت الصحت فی فعل الغير همچون شك در صحت قرائت امام جماعت

## ادله

الف) اجماع: شیخ انصاری در فرائد الاصول ادعا اجماع قولی (همگی تصریح به این موضوع کرده اند) و فعلی (همگی به این قاعده در مسائلشان عمل کرده اند) کرده است

ب) سیره عقلاء: [صغری:] عقلا در امور روزمره خود در صورت شك در صحت فعل دیگری آن را حمل بر صحت میکنند [کبری:] شارع مقدس این عمل عقلا را نهی نکرده است [نتیجه:] پس شارع اصالت الصحت را در شرعیات قبول دارد

ج) استقراء: وقتی فقیه به بررسی روایات یک باب خاص میپردازد در مواردی که راوی شك در صحت فعل غیر داشته است فقیه به یک قاعده مشترک دست پیدا میکند، لذا فقیه در مواردی که از امام هم سوالی نشده این قاعده را اجرا میکند

- بقره، 83: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا
- حج، 30: وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ
- حجرات، 12: اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ

### د) آیات

- روایاتی که قول ذوالید را در طهارت و نجاست حجت میدانند
- روایات دال بر قبول موارد لا یعلم الا قبل
- روایات دال بر قبول شهادت

### ذ) روایات: همچون

روایات دال بر حرمت سوء ظن از جمله در اصول کافی ج ۲ ص ۳۶۲ ح ۳ از علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «ضع امر اخیک علی احسنه حتی یأتیک ما یقلبک عنه و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سوء و انت تجد لها فی الخیر سیلاً» یعنی کار برادر دینی و هم کیش را به بهترین وجه تعبیر کن تا آن زمان که از او رفتاری سرزند که بتواند باورت را دگرگون کند و نیز به گفتار برادرت تا وقتی که تفسیر نیک می توانی کرد گمان بد مبر

ادله حجیت خبر واحد

## مسائل

برخی همچون میرزای قمی قائل به این هستند که قاعده صحت، صحت عند الفاعل [امام جماعت] را اثبات میکند و برخی دیگر همچون خوئی و شیخ انصاری قائل به اثبات صحت عندالحامل [کسی که شك به قرائت امام جماعت میکند] توسط قاعده هستند، تفاوت کاربرد این دو در مثال به این صورت است که اگر امام جماعتی که قائل به صحت نماز با غسل مستحبی باشد و فرد (ماموم قائل به عدم جواز نماز با غسل مستحبی است) شك کند که امام جماعت وضو دارد یا خیر، در اینجا اگر اصالت الصحت عندالحامل باشد ماموم بنا بر صحت میگذارد اما بنا بر اصالت الصحت عندالفاعل ماموم میتواند بگوید که نماز با غسل مستحبی صحیح است

این قاعده نسبت به مورد شك نسبی است. مثلاً شك در صحیح خواندن صیغه عقد، در اینجا اصالت الصحت نسبت به الفاظ عربی بودن صیغه میباشد و اینکه صیغه مجوز شرعی داشته است یا خیر را اثبات نمیکند

بنا بر نظر شیخ انصاری ظاهر کلمات اکثر این است که این قاعده را از امارات میدانند اما مرحوم نائینی و خوئی قاعده را از اصول می شمارند

## تطبیق

السید الطباطبایی فی بیان شرائط عقد النکاح: و یتحب أن یسألها بل غیرها عن: حالها هل هی ذات بعل و عقیفة أم لا مع التهمة بالبعل و عدم العفة. للموثق (عن المتعة، فقال: (إن المتعة الیوم لیس كما كانت قبل الیوم، إنهن کنن یومئذ یؤمن و الیوم لا یؤمنن، فاسألوا عنهن) و لیس السؤال شرطاً فی الجواز إجماعاً، بل و) لاواجباً؛ لأصل، و حمل تصرف المسلم علی الصحة، و النصوص المستفیضة الحاكمة بكون المرأة فی نفسها مصدقة و لو مع التهمة